دلالت روایات «صم للرؤیة» بر استصحاب

ابتدای سال صفحه شانزده از جزوه رؤیت هلال با چشم مسلح را شروع کردیم. چند سطر از آن را خواندیم. الآن میخواهم اداوری کنم. در ادامه به فرمایش مرحوم صاحب کفایه رفتیم که گفتند به روایات وسائل مراجعه کنید.

صفحه شانزدهم این جزوه مربوط به عبارت حاج آقا بود که فرمودند:

> **و حيث إنّما دلّ على أنّ الاعتبار بالرؤية من أدلة الاستصحاب** و لذا قوبلت الرؤية في الرواية بالتظنّي فقال: «فرض الله لا يكون بالتظنّي صُم للرؤية و أفطر للرؤية»؛ يعني صُم لليقين و أفطر لليقين، فمع العلم بدخول الشهر اللاحق لا يبقى على الحالة السابقة و لو بسبب مُضيّ ثلاثين عن الشهر الثابت سابقاً فعدم الرؤية فعلاً مع عدم الغيم و الغبار لا عبرة به للعالم و إن كان الفرض بعيداً يعني عدم الرؤية مع الفرض المذكور في طول هذه المسافة الطولية في طول البلاد بلا آلة أو معها للمستهل*** نعم، مع عدم هذه الرؤية التقديرية و عدم العلم المذكور وعدم اخبار العدول الموثقين يبقى على استصحاب عدم دخول الشهر اللاحق. و الله العالم بحقائق الأحكام[1]

«و حيث إنّما دلّ على أنّ الاعتبار بالرؤية من أدلة الاستصحاب و لذا قوبلت الرؤية في الرواية بالتظنّي»؛** پس معلوم میشود که مقصود از رؤیت، یقین است. این فرمایش ایشان است.

در صفحه شانزده عرض کردم: **«هذه نكتة مهمّة في تقويم الرؤية كعنصر دخيل في روايات أبواب الهلال و الاستهلال»؛** واقعاً مهم همینطور است. یعنی یکی از مهمترین کتلهای بحث رؤیت هلال، تحلیل درست روایات است. اگر بهصورتیکه حاج آقا فرمودند تحلیل شود، سرنوشت بحث عوض میشود. اگر روایات میخواهد به رؤیت، موضوعیت بدهد و به رؤیت بهعنوان رؤیت نقش بدهد، بحث یک جور جلو میرود. اما اگر روایات رؤیت بخواهد استصحاب را بگوید، همه میدانیم که استصحاب، حکم ظاهری است؛ تازه حکم ظاهری فقاهتی است -به اصطلاح مرحوم وحید- یعنی صرفا حکم ظاهریای است که برای در رفتن از تحیر در مقام عمل است. اصلاً کاری به این ندارد که واقع چیست. خب اگر مقصود از روایات رؤیت، استصحاب است و استصحاب هم حکم ظاهری فقاهتی است، استصحاب در معرض خطا است. یعنی رؤیت تأکید میکند که شما چنین بکن ولی بدان که حکم ظاهری استصحابی را اجراء میکنی. نه اینکه من شارع الآن در اینجا حکم خودم و موضوع را تغییر

داده باشم؛ بلکه تو مستصحب هستی. و لذا مکرر عرض کردم که امام علیه‌السلام فوری در کنارش می‌فرمایند: «صم للرؤیة و افطر للرؤیة فان شهد اثنهم رأوه فاقضه[2]»؛ اگر بعداً شهادت دادند که هلال را رؤیت کردند، آن را قضا کن. دقیقاً ردیف «فاقضه» با «صم للرؤیة» به این معنا است که این رؤیت حکم ظاهری برای شما است تا متحیر نباشی. نه اینکه حکم واقعی باشد که من رؤیت تو را در حکم واقعی داده باشم، چرا که معنا ندارد بگوید اگر شهادت دادند قضا بکن.

لذا این نکته مهمی است؛ **«هذه نكتة مهمّة في تقويم الرؤية كعنصر دخيل في روايات أبواب الهلال و الاستهلال»**؛ این قدر اهمیت دارد که ما از روایات رؤیت، تحلیل استصحابی کنیم.

همان ابتدای سال ما عبارات را خواندیم، به مناسبت عرض کردم که شیخ اعظم انصاری فرمودند: «اظهر ما في الباب[3]»؛ ظاهرترین روایت در مورد استصحاب، همین روایت مکاتبه علی بن قاسانی است. شیخ به این صورت فرمودند. صاحب کفایه اشکال کردند و تقریباً یک سال مباحثه ما که از مهر ماه شروع شد و تا به حال آمده، بعدنبال اشکال مرحوم صاحب کفایه بودیم. آیا واقعاً این اشکال ایشان به شیخ وارد است؟ یا نه؟

---

[1] رویة الهلال بالعین المسلحة

[2] وسائل الشيعة ؛ ج١٠ ؛ ص٢٥٤، «و عنه عن القاسم عن أبان عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله قال: سألت أبا عبد الله ع عن هلال شهر رمضان- يغم علينا في تسع و عشرين من شعبان- فقال لا تصم إلا أن تراه فإن شهد أهل بلد آخر فاقضه».

[3] مرتضی انصاری، فرائد الاصول، ط کنگره، ج ۳، ص۷۱

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مه 2026 11:49:05 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2026 11:50:50 توسط ... .